

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH22R912447 ISSN-P: 2676-6442

اثر آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر نقاد بر کاهش باورپذیری اخبار جعلی و افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۰۴)

ویدا مرادی دارخوری

کامران قهرمانی

مژگان قنبری

چکیده

گسترش شبکه‌های اجتماعی و دسترسی دائمی دانش‌آموزان به محتوای آنلاین، محیط یادگیری را به زیست‌بومی تبدیل کرده است که در آن «اطلاعات درست» و «اطلاعات نادرست» به صورت هم‌زمان گردش می‌کند. در چنین شرایطی، باورپذیری اخبار جعلی می‌تواند به شکل‌گیری برداشت‌های غلط، اضطراب شناختی، تصمیم‌گیری‌های هیجانی و در نهایت تضعیف تمرکز و کیفیت یادگیری منجر شود. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و با تکیه بر شواهد پژوهشی داخلی و بین‌المللی، سازوکارهای اثرگذاری آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر نقاد را بر کاهش باورپذیری اخبار جعلی و ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تبیین می‌کند و سپس یک چارچوب روش شناختی پیشنهادی برای آزمون تجربی این روابط ارائه می‌دهد. بر اساس ادبیات موجود، آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند توانایی ارزیابی منبع، تشخیص نشانه‌های دستکاری محتوا و قضاوت مبتنی بر شواهد را تقویت کند؛ همچنین آموزش تفکر نقاد، با ارتقای استانداردهای استدلال و کاهش اتکا به قضاوت‌های شهودی،

احتمال پذیرش اطلاعات نادرست را کاهش می دهد. شواهد مطالعات آزمایشی نشان می دهد مداخلات سواد رسانه ای می تواند توان تشخیص کلی محتوای نادرست را بهبود دهد و اثر آن صرفاً محدود به یک خبر خاص نباشد. از سوی دیگر، پژوهش های مرتبط با تفکر نقاد نشان می دهد آموزش های هدفمند می تواند اثر مثبت معناداری بر مهارت های تفکر نقاد داشته باشد که از منظر آموزشی قابلیت انتقال به کیفیت یادگیری و عملکرد تحصیلی را نیز تقویت می کند. در پایان، پیامدهای کاربردی برای برنامه درسی مدارس، تربیت معلم و سیاست گذاری آموزشی پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: سواد رسانه ای، تفکر نقاد، اخبار جعلی، باورپذیری، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان، مداخله آموزشی، ارزیابی اطلاعات

مقدمه

تحول دیجیتال، مرز میان «مصرف کننده» و «تولید کننده» محتوا را از میان برداشته و هر کاربر می تواند در جایگاه نشر، باز نشر و تفسیر خبر قرار گیرد. این تغییر، در کنار مزایای آموزشی، زمینه را برای انتشار گسترده اطلاعات نادرست و اخبار جعلی فراهم کرده است. گزارش های مربوط به ارزیابی منابع دیجیتال نشان می دهد بسیاری از نوجوانان و دانش آموزان در تشخیص اعتبار منبع، تفکیک تبلیغ از خبر، و ارزیابی شواهد دچار ضعف هستند. از سوی دیگر، در ادبیات جهانی، «سواد رسانه ای و اطلاعاتی» به عنوان مجموعه ای از شایستگی ها برای دسترسی، تحلیل، ارزیابی، تولید و مشارکت مسئولانه در محیط رسانه ای معرفی می شود و برای آن

چارچوب‌های آموزشی رسمی پیشنهاد شده است. در ایران نیز بحث سواد رسانه‌ای در پیوند با اهداف تربیتی و اسناد بالادستی آموزش و پرورش مطرح شده و بر ضرورت تدوین برنامه‌ای منسجم در سطح مدارس تأکید شده است. با توجه به این زمینه، پرسش اصلی این مقاله آن است که آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر نقاد چگونه و از چه مسیرهایی می‌تواند باورپذیری اخبار جعلی را در دانش‌آموزان کاهش دهد و هم‌زمان عملکرد تحصیلی آنان را ارتقا بخشد.

بخش اول: مبانی نظری و چارچوب مفهومی

بند اول: مفهوم و مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای

سواد رسانه‌ای در معنای آموزشی خود، مجموعه‌ای از دانش، نگرش و مهارت‌ها برای فهم کارکرد رسانه، تحلیل پیام، ارزیابی اعتبار، و مشارکت مسئولانه در محیط ارتباطی است. در چارچوب‌های بین‌المللی، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به صورت یک شایستگی ترکیبی تعریف می‌شود که از «سواد اطلاعاتی» و «سواد رسانه‌ای» تشکیل شده و برای آن ماژول‌های آموزشی و شایستگی‌های قابل آموزش پیشنهاد شده است.

در ادبیات فارسی نیز بر تمایز میان «آموزش رسانه‌ای» و «سواد رسانه‌ای» و ضرورت تولید ادبیات و معیارگذاری روشن برای این حوزه تأکید شده است. از منظر مدرسه، سواد رسانه‌ای زمانی به کاهش باورپذیری اخبار جعلی کمک می‌کند که به مهارت‌های عملیاتی تبدیل شود؛ یعنی دانش‌آموز بتواند منبع را واریسی کند، شواهد را با منابع مستقل مقایسه کند، و نشانه‌های دستکاری مانند تیرهای هیجان‌برانگیز یا ادعاهای بدون سند را تشخیص دهد.

بند دوم: مفهوم تفکر نقاد و استانداردهای استدلال

تفکر نقاد را می‌توان توانایی قضاوت هدفمند و خودتنظیم‌گر دانست که بر تحلیل، ارزیابی و استنتاج مبتنی است. یکی از چارچوب‌های پرکاربرد در آموزش، چارچوب پل و الدر است که عناصر تفکر و استانداردهای عقلانی مانند وضوح، دقت، ارتباط، عمق و انصاف را برای ارزیابی استدلال پیشنهاد می‌کند. نقطه کلیدی این است که اخبار جعلی غالباً از مسیر «تحریک هیجان» و «کاهش فرصت تأمل» اثر می‌گذارد؛ بنابراین تقویت عادت‌های ذهنی پرسش‌گری و بررسی شواهد، می‌تواند آسیب‌پذیری شناختی دانش‌آموز را کاهش دهد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد توان استدلال تحلیلی با تشخیص بهتر اخبار جعلی و کاهش ارزیابی نادرست از صحت اخبار ارتباط دارد.

بند سوم: اخبار جعلی و سازوکارهای باورپذیری

اخبار جعلی صرفاً «اطلاعات غلط» نیست، بلکه معمولاً محتوایی است که با هدف فریب، دستکاری یا جهت‌دهی تولید می‌شود و می‌تواند با شگردهایی مانند جعل منبع، تحریف داده، قاب‌بندی احساسی و تکرار در شبکه‌های اجتماعی باورپذیر شود. پژوهش‌های داخلی نیز بر پیوند سواد رسانه‌ای با باورپذیری اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. از منظر روان‌شناسی شناختی، آشنایی قبلی با یک ادعا، فشار اجتماعی، و اعتماد به «نشانه‌های سطحی» مثل تعداد بازنشر یا ظاهر حرفه‌ای یک صفحه می‌تواند جایگزین ارزیابی عمیق شود. در چنین فضایی، آموزش باید «راهربرد» بدهد نه صرفاً «اطلاعات»؛ یعنی دانش‌آموز بداند در برخورد با یک خبر، چه گام‌هایی را طی کند تا از دام ساده‌سازی و شتاب‌زدگی خارج شود.

بند چهارم: عملکرد تحصیلی و پیوند آن با مهارت‌های شناختی

عملکرد تحصیلی نتیجه برهم کنش عوامل متعددی است؛ از مهارت‌های شناختی و خودتنظیمی گرفته تا انگیزش و کیفیت تدریس. تفکر نقاد می‌تواند از دو مسیر به عملکرد تحصیلی کمک کند: مسیر اول بهبود فهم عمیق و جلوگیری از یادگیری سطحی، و مسیر دوم ارتقای خودنظارتی و ارزیابی کیفیت استدلال‌ها و پاسخ‌ها در تکلیف‌های درسی. شواهد فراکاوانه نشان می‌دهد مداخلات آموزشی برای تفکر نقاد به طور متوسط اثر مثبت اما معمولاً متوسطی بر مهارت‌های تفکر نقاد دارند. در پژوهش‌های داخلی نیز رابطه تفکر انتقادی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گزارش شده و از نقش آن در پیش‌بینی تغییرات پیشرفت تحصیلی سخن رفته است.

بخش دوم: بیان مسئله و ضرورت پژوهش

بند اول: صورت‌بندی مسئله در بستر مدرسه

مسئله اصلی آن است که دانش‌آموز امروز، خارج از مدرسه در معرض سیل اخبار، شایعات و روایت‌های رقابتی قرار دارد و این مواجهه فقط «اطلاعات عمومی» تولید نمی‌کند، بلکه بر سبک فکر کردن، توجه، انگیزش و حتی روابط اجتماعی او اثر می‌گذارد. اگر دانش‌آموز نتواند کیفیت خبر را ارزیابی کند، احتمال دارد در گیر باورهای نادرست شود یا به دلیل سردرگمی، نوعی بی‌اعتمادی فراگیر نسبت به منابع معتبر پیدا کند. هر دو حالت می‌تواند به کاهش تمرکز و افت کیفیت یادگیری منجر شود. از سوی دیگر، آموزش و پرورش در اسناد و مطالعات مرتبط با نقش رسانه بر ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای برای تحقق اهداف تربیتی تأکید کرده است.

بند دوم: شکاف مهارتی و پیامدهای آن

شکاف اصلی، شکاف میان «دانش استفاده از ابزار دیجیتال» و «توان ارزیابی محتوای دیجیتال» است. بسیاری از دانش آموزان در استفاده از شبکه های اجتماعی توانمندند، اما در تشخیص تبلیغ پنهان، اطلاعات ساختگی، تحریف و سوگیری منبع ضعف دارند. گزارش های مربوط به ارزیابی اطلاعات در میان دانش آموزان، بر همین ناتوانی در تشخیص نشانه های اعتبار تأکید کرده است. بنابراین ضرورت پژوهش حاضر در این است که با طراحی آموزشی هدفمند، هم «مقاومت شناختی در برابر خبر جعلی» تقویت شود و هم پیامدهای آموزشی آن در سطح عملکرد تحصیلی قابل مشاهده و سنجش باشد.

بخش سوم: مرور ادبیات پژوهش

بند اول: شواهد مربوط به آموزش سواد رسانه ای و کاهش پذیرش اطلاعات نادرست

در ادبیات بین المللی، مداخلات سواد رسانه ای به عنوان راهکاری مقیاس پذیر برای مقابله با اطلاعات نادرست مطرح شده است. یک مطالعه آزمایشی تصادفی نشان می دهد مداخله کوتاه سواد رسانه ای می تواند توان تمایز گذاری میان اطلاعات درست و نادرست را به صورت کلی تقویت کند و اثر آن صرفاً محدود به محتوای خاصی که بررسی شده نیست . همچنین چارچوب های یونسکو برای سواد رسانه ای و اطلاعاتی، بر آموزش مهارت های تحلیل پیام، ارزیابی منابع، و مشارکت مسئولانه تأکید دارد و آن را به عنوان شایستگی قابل نهادینه سازی در برنامه درسی معرفی می کند. در پژوهش های داخلی نیز نقش سواد رسانه ای در کاهش باورپذیری اخبار جعلی در فضای شبکه های اجتماعی گزارش شده است .

بند دوم: شواهد مربوط به تفکر نقاد و تشخیص خبر جعلی

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد گرایش‌ها و مهارت‌های تفکر نقاد با توان تشخیص خبر جعلی ارتباط دارد و در برخی مطالعات، تفکر نقاد حتی سهم قوی‌تری نسبت به سواد رسانه‌ای در پیش‌بینی تشخیص اخبار جعلی نشان داده است. (اسپرینگر)

در سطح نظری، چارچوب‌های آموزشی تفکر نقاد مانند پل و الدر، ابزار مفهومی لازم برای تبدیل «شک» به «ارزیابی روشمند» را فراهم می‌کنند؛ یعنی دانش آموز به جای رد یا پذیرش فوری، بر اساس استانداردهایی مانند دقت، شفافیت و کفایت شواهد قضاوت می‌کند.

بند سوم: تفکر نقاد و عملکرد تحصیلی در پژوهش‌های داخلی و خارجی

در مطالعات داخلی، ارتباط تفکر انتقادی با پیشرفت تحصیلی گزارش شده و حتی نقش پیش‌بینی‌کنندگی آن در کنار سایر انواع تفکر بررسی شده است. در سطح فراکاوی، شواهد نشان می‌دهد آموزش تفکر نقاد می‌تواند به‌طور متوسط بهبود معناداری در مهارت‌های تفکر نقاد ایجاد کند. از منظر نظری، وقتی مهارت‌های تحلیل و ارزیابی ارتقا می‌یابد، کیفیت فهم، حل مسئله و استدلال در تکالیف درسی نیز بهبود پیدا می‌کند؛ با این حال اندازه اثر می‌تواند بسته به طول دوره، روش تدریس و تناسب با محتوای درسی تغییر کند.

بخش چهارم: روش شناسی پیشنهادی پژوهش

بند اول: طرح پژوهش

طرح پیشنهادی، نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل است. دو گروه هم تراز از دانش آموزان انتخاب می شوند. گروه آزمایش، بسته آموزشی ترکیبی سواد رسانه ای و تفکر نقاد را دریافت می کند و گروه کنترل، آموزش عادی مدرسه را ادامه می دهد. برای کنترل اثرات مداخله، می توان پیگیری کوتاه مدت نیز در چند هفته بعد اجرا کرد تا پایداری اثر سنجیده شود؛ این پیشنهاد با توجه به یافته هایی است که اثر مداخله سواد رسانه ای را در بازه کوتاه مدت نیز قابل مشاهده دانسته اند.

بند دوم: جامعه، نمونه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری می تواند دانش آموزان دوره متوسطه اول یا دوم در یک منطقه آموزشی باشد. نمونه گیری به صورت خوشه ای از مدارس و سپس تصادفی در سطح کلاس انجام می شود تا امکان اجرای برنامه در محیط واقعی مدرسه فراهم گردد. حجم نمونه بر اساس توان آزمون آماری و تعداد متغیرها تعیین می شود.

بند سوم: ابزارهای اندازه گیری متغیرها

برای باورپذیری اخبار جعلی، می توان از آزمون های سناریو محور شامل مجموعه ای از تیرها و پست های شبیه سازی شده شبکه های اجتماعی استفاده کرد؛ به گونه ای که دانش آموز میزان «باورپذیری» و «تمایل به باز نشر» را درجه بندی کند. برای سنجش سواد رسانه ای، پرسشنامه مهارت های ارزیابی محتوا و منبع به همراه تکلیف عملکردی پیشنهاد می شود. برای تفکر نقاد، یکی از گزینه ها استفاده از مقیاس های استاندارد گرایش به تفکر نقاد و نیز تکالیف تحلیل

استدلال است. در پژوهش‌های داخلی از مقیاس‌های شناخته‌شده تفکر انتقادی نیز استفاده شده است (sanad.iau.ir).

عملکرد تحصیلی می‌تواند با معدل یا نمره استاندارد در دروس اصلی و نیز یک آزمون پیشرفت تحصیلی همسان برای هر دو گروه سنجیده شود.

بند چهارم: بسته مداخله آموزشی

مداخله پیشنهادی در چند جلسه کلاسی طراحی می‌شود و دو محور دارد. محور اول سواد رسانه‌ای با تمرکز بر مهارت‌های تشخیص منبع، واریسی ادعا، توجه به شواهد، و شناخت شگردهای رایج در خبر جعلی. محور دوم تفکر نقاد با تمرکز بر پرسش‌گری، تشخیص فرض‌های پنهان، ارزیابی انسجام استدلال و کاربرد استانداردهای عقلانی. چارچوب‌های آموزشی معتبر برای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی می‌تواند به عنوان نقشه راه طراحی جلسات به کار رود (unesco.org).

برای اثربخشی بیشتر، تمرین‌ها باید به محتوای واقعی و تجربه روزمره دانش‌آموز نزدیک باشد و در عین حال، معیارهای ارزیابی شفاف ارائه شود.

بخش پنجم: روش تحلیل داده‌ها

برای مقایسه گروه‌ها، تحلیل کوواریانس با کنترل پیش‌آزمون مناسب است. همچنین می‌توان از مدل‌یابی معادلات ساختاری یا رگرسیون چندگانه برای بررسی نقش میانجی‌گری یا تعدیل‌گر متغیرهایی مانند تفکر نقاد در رابطه میان سواد رسانه‌ای و باورپذیری خبر جعلی استفاده کرد.

اگر داده‌ها در سطح کلاس و مدرسه خوشه‌بندی شده باشند، مدل‌های چندسطحی پیشنهاد می‌شود.

بخش ششم: ملاحظات اخلاقی

اخذ رضایت آگاهانه از والدین و دانش‌آموزان، حفظ محرمانگی، و پرهیز از نمایش محتوای آسیب‌زا ضروری است. در طراحی تکالیف خبر جعلی باید از موضوعات حساس یا ترس‌آفرین برای دانش‌آموزان اجتناب شود و هدف صرفاً آموزش روش ارزیابی باشد نه القای اضطراب.

بخش هفتم: بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بند اول: تبیین سازوکار اثرگذاری آموزش ترکیبی

آموزش سواد رسانه‌ای، ابزارهای عملی برای ارزیابی خبر را فراهم می‌کند و آموزش تفکر نقاد، عادت‌های ذهنی لازم برای مکث، پرسش‌گری و سنجش استدلال را تقویت می‌کند. شواهد نشان می‌دهد هر دو مؤلفه می‌توانند توان تشخیص اخبار جعلی را تقویت کنند و تفکر نقاد، سهم معناداری در پیش‌بینی تشخیص خبر جعلی دارد. اسپرینگر) از نظر رفتاری، انتظار می‌رود پس از مداخله، دانش‌آموزان در مواجهه با تیتروهای هیجانی، کمتر به قضاوت فوری تکیه کنند و بیشتر به واریسی منبع و شواهد گرایش یابند.

بند دوم: پیامدهای آموزشی و سیاستی

در سطح مدرسه، ادغام این آموزش‌ها در برنامه درسی می‌تواند به تقویت «شایستگی‌های قرن بیست‌ویکم» کمک کند و هم‌زمان پیامدهای ملموس تحصیلی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود به

جای رویکرد مناسبی و مقطعی، بسته‌های آموزشی کوتاه اما پیوسته طراحی شود. چارچوب‌های بین‌المللی نیز بر ارائه مازول‌های آموزشی ساختارمند و قابل انطباق با گروه‌های سنی تأکید دارند (unesco.org).

در سطح ایران نیز با توجه به تأکید بر نقش رسانه و ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای در تحقق اهداف تربیتی، می‌توان این آموزش را در قالب درس‌های مهارتی یا پروژه‌های بین‌رشته‌ای سامان داد (qjmn.farhang.gov.ir).

بند سوم: محدودیت‌ها و مسیرهای پژوهشی آینده

محدودیت‌های محتمل شامل اثر معلم، تفاوت دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت، و اثرات کوتاه‌مدت مداخله است. پژوهش‌های آینده می‌توانند ماندگاری اثر را در بازه‌های طولانی‌تر بررسی کنند، و نیز نقش متغیرهایی مانند خودتنظیمی، انگیزش تحصیلی و سوگیری‌های شناختی را در مدل تبیینی وارد سازند. همچنین پیشنهاد می‌شود از تکالیف عملکردی و داده‌های رفتاری، علاوه بر پرسشنامه، استفاده شود تا سنجش باورپذیری از سطح «گزارش فردی» فراتر رود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- شکرخواه، یونس. «سواد رسانه‌ای، یک مقاله عقیده‌ای». «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»
- «نقش سواد رسانه‌ای در باورپذیری اخبار جعلی (qjmn.farhang.gov.ir)».
- «نقش سواد رسانه‌ای در کاهش اخبار جعلی و راهبردهای مقابله با تهدیدات نرم رسانه‌های ارجی در ایران (rcc.soore.ac.ir)».
- «بررسی نقش رسانه در نظام تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تأکید بر ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای (qjmn.farhang.gov.ir)».
- «نقش تفکر خلاق، تفکر تحلیلی و تفکر انتقادی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه (sanad.iau.ir)».
- «اثربخشی برنامه پرورش مهارت‌های تفکر بر پیشرفت تحصیلی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان (journals.ut.ac.ir)».
- «اثربخشی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر خلاقیت تحصیلی و رضایت از تحصیل (jsied.org)».
- «تحلیل نقش سواد رسانه‌ای در پیشگیری از گسترش اخبار جعلی و شایعات در جامعه ایران (civilica.com)».

ب) منابع انگلیسی

- UNESCO. *Media and Information Literacy Curriculum, e-version and curriculum framework resources.* (unesco.org)
- Stanford History Education Group. *Students' Civic Online Reasoning and related executive summaries.*
- Pennycook, G., Rand, D. G. *Susceptibility to partisan fake news and analytic thinking.* (sciencedirect.com)
- Orhan, A. *Fake news detection on social media: predictive role of critical thinking dispositions and new media literacy.*
- Berger, L. M., Kerkhof, A., Mindl, F., Münster, J. *Debunking "fake news" on social media: effects of fact-checking and media literacy interventions.*
- Abrami, P. C., et al. *Instructional interventions affecting critical thinking skills and dispositions: meta-analysis summary resources.* (eric.ed.gov)
- Paul–Elder *Critical Thinking framework overviews and guides.* (University of Louisville)

